

( 27 )

**بنام انکه بیم از اوست و امید از او**

نخستین گفتار کردگار اینست با سینه پاک از خواهش و آایش و دل پاکیزه از رنگهای آفرینش پیش دانا و بیبا و توانا بیابید و آنچه سزاوار روز اوست بیارید امروز روز دیدار است چه که یزدان بی پرده پدیدار و آشکار بجان پاک بشتابید شاید برسید و آنچه سزاوار است پی برید از آب پرهیزکاری خود را از آز و کردارهای ناشایسته پاک نمائید تا راز روز بی نیاز را بیابید روشنی نخستین در روز پسین پدیدار بسه چیز دیدار دست دهد و رستگاری پدیدار شود پاکی دل و دیده و پاکی گوش از آنچه شنیده بگو ایدوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار راه راه اوست بیابید و گفتار گفتار اوست بشنوید امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و بخود راه مینماید جوانمرد انکه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت ایدوستان دست توانای یزدان پردهای گمان را درید تا چشم به بیند و گوش از شنیدن باز نماند امروز روز شنیدن است بشنوید گفتار دوست یکتا را و آنچه سزاوار است رفتار نمائید از گفتار پارسی بگفتار تازی آغاز نمودیم

يا ايها المقبل اسمع النداء انه ارتفع في سجن عكاء و يدع العباد الى الله مالک الايجاد تفكر فيما ظهر لتري ما لا رأت عين الابداع ان ربك هو العزيز الفضال اياك ان يمنحك ما في العالم عن مالک القدم دع الظنون و مظاهرها و الاوهام و مشارقتها مقبلا الى الله مالک المبدء و المآب هذا يوم البصر لان المنظر الاكبر تشرف بانوار ظهور مالک القدر الذي اتى من سماء البيان بالحجة و البرهان و هذا يوم السمع قد ارتفع فيه صرير القلم الاعلى بين الارض و السماء اسمع و قل لك الحمد يا مقصود العالم و لك الثناء يا مالک الرقاب

يا ايها السائل امروز نور ناطق و نار متکلم و خورشید حقیقی مشرق جهد نما شاید فائز شوی بآنچه سزاوار یوم الله است اگر در آنچه ظاهر شده تفکر نمائی خود را غنی و مستغنی از سؤال مشاهده کنی حق مقدس است از ظنون و اوهام و مشیت و اراده انام باعلم يفعل ما یشاء و رایة یحکم ما یرید آمده حجت و برهان فوق مقامات اهل امکان ظاهر فرموده آیاتش در کتب و زبر و الواح موجود و مشهود و بیناتش در سور ملوک و رئیس ظاهر و هویدا لیس لاحد ان یجرب الرب انه یمتحن العباد کیف یشاء اگر فی الحقیقه ببصر انصاف در آنچه ذکر نمودیم مشاهده نمائی و بسمع عدل اصغا کنی بکلمه مبارکه رجعت الیک یا مولی العالم منقطعا عن الامم ناطق شوی بشنو ندای مظلوم را قدم از مقامات و ظنون و اوهام اهل امکان بردار و بر لا مکان گذار لتسمع تغردات طیور العرش و تغنیات عنادل العرفان علی اعلى الاغصان نسئل الله ان یؤیدک و یوفقک علی ما یحب و یرضی انه مولی الوری و رب العرش

و الثرى لا اله الا هو الفرد الواحد العليم الحكيم اذا اخذك جذب البيان من الافق الاعلى قل  
الهى الهى اشهد بوحدانيتك و فردانيتك و بعزك و عظمتك و سلطانك انا عبدك و ابن  
عبدك قد اقبلت اليك منقطعا عن دونك و راجيا بدائع فضلک اسئلك بامطار سحاب سماء  
كرمک و باسرار کتابک ان تؤيدنى على ما تحب و ترضى اى رب هذا عبد اعرض عن  
الاوهام مقبلا الى افق الايقان و قام لدى باب فضلک و فوض الامور اليك و توكل عليك  
فافعل به ما ينبغى لسماء جودک و بحر كرمک انک انت المقتدر العليم الحكيم اشهد يا الهى  
بانک اعلم بى منى قدر لى ما يقربنى اليك و ينفعنى فى الآخرة و الاولى انک انت مولى  
الورى و فى قبضتک زمام الفضل و العطاء لا اله الا انت الفضال الكريم البهء على اهل  
البهء الذين ما منعتهم ضوضاء الامم عن مالک القدم قاموا و قالوا الله ربنا و رب العرش  
العظيم